



۲۰۱۸/۱۲/۰۹



یاسین حکیم

رابطه متقابل امنیت افغانستان با امنیت قدرت های بزرگ

در وضعیت دنیای امروز، هیچ کشوری تنها در پشت دیوارهای ضخیم سرزمینش، نه می تواند محدود بماند و نه در امان بماند. در نور دیده شدن سرحدات در عصر جهانی شده، عبور از سرحد های تعیین شده کشور ها را آسان ساخته است. برخلاف تصور عمومی، نفوذ بر قدرت امنیتی کشور ها از هیچ امتناعی بر خور دار نمی باشد.

دیجیتالیزه شدن دنیای صنعتی اکنون، همان اندازه که میزان احساس امنیت را افزایش داده است، به همان مراتب میزان احتمال خطر را بالا برده است. به یک سخن می توان گفت که مدرنیته و دنیای جهانی شده، همه چیز را بر هم زده است و تمام نظم سنتی را دیگر گون کرده است. در این وضعیت دیگرگونه، همه چیز را باید از نو تعریف کرد و از نو تعیین نسبت نمود و رابطه جدید بر قرار کرد.

مدرنیته و جهانی شدن، به این دلیل تعریف و باز تعریف مفاهیم را در زندگی اجتماعی ضرورت می داند که دیگر آن شرایط مکانی برای مفاهیم بر هم خورده است و تغییر یافته است. با این وضعیت، دیگر نمی توان مفاهیم علوم اجتماعی را با آن جرئیتی که قبلا به کار برده می شد، بکار ببریم. به همین رویکرد است که در دنیایی سیاسی دیگر نمی توان مفهوم استقلال و استعمار را آن گونه که در سده ها و دهه های قبل به کار می بردیم دیگر به کار ببریم. در بخش گذشته از تاریخ معاصر، مفهوم استقلال و استعمار از جمله اصطلاحات و مفاهیمی بودند که معنای بین الذهنی داشت و هیچ کس در برابر معنای این اصطلاحات شک و تردید نداشت و همه یک معنای مشترک را تصور می کردند.

اما دنیای امروز آنگونه تغییر یافته است که حتی این اصطلاحات ثابت و معین را نمی توانیم با جرئت تمام به کار ببریم. در وضعیت شرایط حاکم امروز، دیگر روابط کشور ها نسبت به آن وضعیت گذشته باقی نمانده است. در دنیای امروز روابط کشور ها آن قدر پیچیده و در هم تنیده شده است که حتی یک کشور در چندین کشور دیگر پایگاه نظامی منظم دارد در حالیکه آن کشور میزبان دارای قدرتمندترین حاکمیت ملی و استقلال سیاسی می باشد. اما در عین حال میزبان پایگاه نظامی یک کشور دیگر هم می باشد. در گذشته بسیار به راحتی استقلال کشور میزبان با حضور نیروهای نظامی یک کشور بیگانه، زیر سؤال می رفت و هیچ شک و شبهه هم در میان وجود نداشت که نیازمند استدلال منطقی باشد. اما امروز شرایط و محیط استفاده مفاهیم و اصطلاحات به قدری تغییر کرده است که مفاهیم مشترک بین الازدهانی دچار تغییرات بنیادی شده است. رابطه تکست و کانتکست را در همین وضعیت به راحتی می توان تصور کرد و به آن قانع شد. به همین سبب است که اگر بخواهیم آن کشور میزبان پایگاه های نظامی بیگانه را مستعمره بدانیم و یا اگر بخواهیم استقلال آن را به سبب حضور نیروهای

خارجی زیر سؤال ببریم، به شدت نیازمند توضیحات و استدلال منطقی می‌باشیم. در حالیکه در دنیایی سنتی و گذشته به صرف حضور شواهد که همان حضور نیروهای نظامی یک کشور در کشور دیگر می‌بودیم خود به خود استقلال آن کشور زیر سؤال می‌رفت و حالت مستعمره پیدا می‌کرد و دیگر نیاز به استدلال مضاعف نبود. امروزه نیز کشورها و انسان‌های که در وضعیت ذهنی و فکری گذشته زندگی می‌کنند، قضیه هیچ فرق نکرده است. به همین سبب است که شماری از مردم در کشورهای مانند افغانستان صرف با حضور نیروهای نظامی کشور های خارجی به راحتی اینگونه تلقی می‌کند که استقلال افغانستان زیر سؤال رفته است. اذهان شماری از مردم نیز به قدری تغییر نیافته است که حتی استدلال های منطقی و این جهانی نسبت به آن ها بی تأثیر است. دلیلش هم اینست که ذهنیت های مسیوق به گذشته را نمی‌توان و یا نمی‌شود با استدلال های امروزی تغییر داد. زیرا روابط ذهنی با پدیده های زندگی در دنیایی سنتی بیشتر بصری است و زمانی که نمونه های خارجی موجود باشد همان کفایت می‌کند. به همین رویکرد صرف با دیدن نیروهای نظامی خارجی حکم می‌شود که استقلال افغانستان زیر سؤال قرار گرفته است.

با همین بحث مورد نظر، به موضع رابطه مشترک امنیت کشورها در دنیای جهانی شده امروز پیوند برقرار می‌کنیم. دولت‌ها مخصوصاً استراتژیست های امنیتی کشورها امروز کاملاً معتقد شده‌اند و به همین نتیجه تجربی رسیده‌اند که دیگر نمی‌توان امنیت کشور های خود را در داخل مرزهای رسمی خود محدود کرد و نسبت به آن خاطر جمع شد. همه معتقدند که امنیت امروز یک مقوله واحد و محدود نیست. امنیت امروز از حد کشورها فراتر رفته و حالت فرامنطقوی پیدا کرده است. تا همین دیروز آقای دانفورد لوی درستیز آمریکا به صراحت بیان داشت که اگر حکومت ایالات متحده آمریکا در افغانستان قدرتمند ظاهر نشود، باید آمادگی این را داشته باشد که یک یازده سپتامبر دیگر در آمریکا رخ خواهد داد. این گفته آقای دانفورد یک کلام سیاسی نیست. بلکه یک سخن امنیتی است که از زبان یک استراتژیست نظامی مطرح می‌شود. آمریکا دقیقاً بعد از یازده سپتامبر استراتژی امنیتی خود را براساس همین تئوری تنظیم و تدوین کرده است. قبل از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ استراتژی امنیتی آمریکا استراتژی پیشگیرانه بود که تقریباً پس از یازده سپتامبر ۱۹۹۱ در زمان بوش پدر و پس از سقوط جنگ سرد به وجود آمد که با هدف تأمین نظم نوین جهانی توسط بوش پدر در جنگ خلیج فارس رونما شد.

دقیقاً پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله تروریستان به برج های دوگانه تجارت جهانی بود که استراتژیست های امنیتی آمریکا متوجه شد که امنیت آمریکا از ماورایی قاره ها مورد خطر قرار گرفته است و آمریکا مجبور است که امنیت آمریکا را در دنیایی فراتر و دور تر از آمریکا تعقیب کند. به همین هدف بود که استراتژی امنیتی آمریکا از حالت پیشگیرانه به صورت پیش دستانه تدوین شد. در استراتژی پیش دستانه، آمریکا امنیت خود را به گونه ای تأمین می‌کند که در صورتی که احساس کند که از جانب قدرت های موهوم تروریستی مورد خطر قرار می‌گیرد، صرف با همین احساس تهدید، دست به اقدام می‌زند.

دقیقاً به همین وضعیت است که بنا به گفته آقای دانفورد، آمریکا میان امنیت خودش و امنیت افغانستان و کشورهای مشابه افغانستان رابطه مشترک را تصور می‌کند و مجبور می‌شود و مجبور است که در بخش امنیتی کشور های مانند افغانستان به هیچ وجه نباید سهل انگاری کند.

پایان